

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

تغییرات تاکتیکی سیاست ایالات متحده در مورد جنگ

وصلح در کشورها

تدوین سیاست‌های ستراتیژیک بمنظور توجیه تاکتیک‌ها؟
عدم موجودیت دوست‌دایمی و دشمن‌همیشگی در سیاست

مفهوم تاکتیک و ستراتیژی در چه نهفته می‌باشد؟
چگونگی صف‌آرایی‌های نیروهای مطرح
سیاست از یک شاخه به شاخه دیگر پریدن
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انتخابات قبلی ریاست جمهوری کشور که با پادرمیانی ایالات متحده حل و فصل گردید، تفاوت زیادی با دیگر انتخابات‌های ریاست جمهوری در افغانستان نداشته و تمرکز بر چهره‌ها بجا ی برنامه‌ها، غیبت بحث‌مسائل بنیادی کشور، مداخله بیرونی‌ها در ابعاد مختلف آن، مخیر کردن مردم میان این و آن و نمایش دوگانه میانه‌روی و تندروی برای ناظران بین‌المللی، از مشخصه‌های اصلی آنرا تشکیل می‌داد. مردم هم مثل همیشه باید بر اساس پندار "انتخاب میان بد و بدتر"، یکی را برمی‌گزینند.

سیاست‌زدگی یا سیاست‌زدایی بگونه افراطی می‌تواند مضر باشد، به‌رحال محدودیت روشنفکران و فعالان سیاسی در طول تاریخ کشورها، تاحدی بامر سیاست در افغانستان آسیب رساند. سیاست‌های تعدیل‌ساختاری هم بیشتر در جهت رشد اقتصادی و نه توسعه بوده و منجر به نارضایتی‌هایی شد. نارضایتی مردم، مطالبات سیاسی را پررنگ کرد و دوباره به سیاست‌زدگی رسید. سیاست‌زدایی افراطی با مطالبات برآورده نشده در حوزه‌های اجتماعی همراه شد و تحرکاتی را شکل داد. در دوره‌ای از تاریخ ایام پسین در کشور، دوباره امر سیاست اولویت پیدا می‌کند و عمل و عکس‌العمل‌های افراطی صورت می‌گیرد. سیاست‌زدگی کشورها، سیاست‌زدایی شده است. در کشورهای توسعه‌یافته، قدرت وسیله نیست، بلکه هدف است. سیاسی‌شدن همه چیز نتیجه عدم کارکرد علم سیاست در جامعه می‌باشد. ابتذال سیاست نتیجه اقتصاد بیمار کشور محسوب می‌گردد و اقتصاد بیمار هم منجر به سیاست‌زدایی از سیاست می‌شود.

جامعه افغانی هر روز مورد تحلیل کارشناسان و روشنفکران تا فعالان سیاسی و حامیان جریان‌های سیاسی قرار می‌گیرد. این تحلیل‌ها عناوین مختلفی را به جامعه نسبت می‌دهند. بررسی سیاست‌زدگی جامعه افغانی موضوع تازه‌ای نیست. عدم حضور اهل فن و همچنان فقدان علم سیاست در مجموعه سیاست افغانستان، یکی از مهمترین دلایل بی‌سیاستی می‌باشد و همین مسأله منجر به ابتذال در سیاست افغانستان هم شده است. جامعه و دولت ما درگیر حرکت آونگی میان سیاست‌زدگی و سیاست‌زدایی است و دولتی با شعار اعتدال می‌تواند بستر خوبی برای حل این معضل باشد، هر چند از زمینه فکری و اجتماعی لازم برخوردار نمی‌باشد.

سیاست‌مدران در علوم سیاسی بمثابه تخصص مطرح است و در سیاست غیرمدران که در جوامع توسعه نیافته حاکم است،

نخبگان سنتی بانگش های سنتی، سیاست را بدست دارند، در کشور ما متأسفانه از سیاست، سیاست زدایی شده است. در واقع سیاست معنای خود را از دست داده و تهی شده است. علوم سیاسی، اساسی و تعیین کننده می باشد، بویژه برای جوامعی که می خواهند گذار مؤلفی داشته باشند، این اهمیت دوچندان می شود. این در حالی است که در کشور ما بجای سیاست، بی سیاستی جر بیان دارد و حتی می توان گفت نهادینه شده است.

در مورد چگونگی حرکت های موضعی ایالات متحده باید اظهار داشت که سیاست رهبری و اشنگتن در مورد کشور عزیز ما افغانستان دستخوش تغییرات قابل توجهی گردیده است. بنظر می رسد ایالات متحده پس از انجام سلسله تلاش های ناموفق در قطر بمنظور نایل گردیدن به توافق با "طالب" ها و انجام انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان طی خزان (بگمان اغلب ماه میزان سالروان) تأکید بعمل آورد.

در وزارت امور خارجه ایالات متحده یادآوری بعمل می آید که کشور یادشده، از آمادگی ها بمنظور آغاز مبارزات انتخاباتی در افغانستان، پشتیبانی بعمل آورده و معاونت های لازمی را در زمینه انجام خواهد داد. با این حال، موقف و اشنگتن پاسخگوی کلیه پرسش هایی بوجود آمده با تغییرات تاکتیکی در سیاست ایالات متحده نمی باشد. آیا تغییرات یادشده در تمرکز فعالیت ها و چگونگی عملکردهای ایالات متحده در افغانستان مطرح بحث بوده و یا طرفندی می باشد بمنظور تحت فشار قرار دادن عده ای از نماینده های با اعتماد "طالب" ها؟

در مورد شرط بندی های انتخاباتی کشور، تذکر این مسأله قابل یادآوری می باشد که آمادگی ها بمنظور تدویر انتخابات متذکره که قرار است طی ماه میزان سالروان در کشور عزیز ما افغانستان آغاز گردد، می طلبد تا دولت افغانستان، احزاب سیاسی، شخصیت های اجتماعی، کلیه طبقات و اقشار وسیع کشور، کمیسیون مستقل انتخابات کشور را در تدویر مؤفانه انتخابات پیشرو همکاری صادقانه نموده تا در زمینه یادشده بدون معضل و مشکل قابل توجه، امر فوق تکوین پذیرفته و اعتبار و حیثیت انتخابات را حفظ نمایند.

معاون دستیار وزارت امور خارجه ایالات متحده، طی سفر اخیرش به کشور ما، از تغییرات تاکتیکی مخفیانه سیاست ایالات متحده پرده برداشت. دیپلمات نامبرده طی سال جاری چندین مرتبه بافغانستان سفر نموده و در مورد مسایل مصالحه وحل و فصل سیاسی قضایای کشور ما با رهبران حکومت وحدت ملی، نخبگان و شخصیت های مطرح سیاسی و اجتماعی به بحث ها و گفتگوهای همه جانبه مبادرت ورزید. از جمله، مسأله قابل توجهی که در این ملاقات ها مورد بحث قرار داده شد، از جمله یکی هم انتخابات ریاست جمهوری در کشور بود که در مرکز توجه آنها قرار گرفته و در مورد صحبت و گفتگو نمودند. پس از سفر نامبرده، از جانب سفارت ایالات متحده در کابل، بیانیه ای حاکی از پشتیبانی همه جانبه انتخابات ریاست جمهوری کشور توسط ایالات متحده به نشر رسید. در بیانیه همچنان آمده که که و اشنگتن مسئولیت پشتیبانی و همکاری همه جانبه اش را از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان اعلام می نماید.

در ابتدا، کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، تاریخ انتخابات ریاست جمهوری کشور را ۲۰ ماه اپریل سال ۲۰۱۹ تعیین نموده بود. اما پس از آن، تاریخ یادشده، به ۲۰ ماه جون به تعویق افتاد. در ماه مارچ سالروان، تاریخ آغاز مبارزات انتخاباتی بتاریخ ۲۸ ماه سپتامبر سالروان تعیین گردید. قابل یاددهانی می باشد که تغییر رسمی موعد مربوطه از صلاحیت های قانونی ریاست جمهوری در کشور محسوب می گردد. صلاحیت های قانونی اشرف غنی در آستانه تغییر تاریخ انتخابات توسط ستره محکمه کشوری انتخاب رئیس جمهوری جدید کشور تمدید گردید، صلاحیت های قانونی حکومت وحدت ملی در کشور بتاریخ ۲۲ ماه می باید خاتمه پذیرفته پنداشته می شد.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که تغییر شیوه های تاکتیکی به چه منظوری تکوین می پذیرد؟ در جریان ملاقات و گفتگوهای ایالات متحده با "طالب" ها، اداره و اشنگتن بگونه مکرر اصل ختم جنگ و درگیری و ایجاد صلح پایدار در کشور ما را از جمله اولویت های سیاست خارجی کشورش اعلام نمود. بخشی از اقدامات مورد نظر توسط نماینده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما بکار بسته شد. اما مسأله ایجاد حکومت مؤقت در کشور، در هاله ای از ابهام قرار گرفت. نبا یاد فراموش نمود که تدویر مذاکرات و گفتگوهای قطر در مورد سرنوشت کشور بدون شرکت و سهمگیری دولت افغانستان برای رهبران سیاسی و نخبگان کشور به عامل مزاحم کننده ای مبدل گردید.

نباید بهیچوجه فراموش خاطر ما گردد که هدف ایالات متحده از اصل انتخابات در کشور ما بنحوی از انحاء بمثابه آله فشار علیه "طالب" ها بشمار می آید. در جریان مذاکرات و گفتگوهای صلح، ایجاد و استقرار حکومت مؤقت از جمله پیشنهاد های گروه های شورشی در کشور محسوب گردید.

اگر قبل بر این، نماینده ایالات متحده در مورد برخی خواستهای یادشده با دولت افغانستان به بحث و مذاکره پرداخت، اما اکنون، بحث انتخابات، بنحوی از انحاء برای شورشیان در زمینه تداوم اقدامات مسلحانه، اخبار ناخوشآیندی بدنبال خواهد داشت. علت

چنین تغییر تاکتیکی در برهه زمانی یادشده، در بهترین حالت آن به شکست گفتگوهای صلح قطر ارتباط می گیرد. قابل تذکر پنداشته می شود که "طالب"ها در مورد جدول زمانی خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی افغانستان، انعطاف پذیری کافی نشان نداده اند. طی آخرین جلسه مذاکرات یادشده، نماینده ایالات متحده اظهار داشت که در واقعیت امر، از صلاحیت تعیین موعد خروج و فراخوانی قوت های نظامی ایالات متحده از اراضی افغانستان برخوردار نبوده و منتظر دستور العمل واشنگتن در زمینه یادشده می باشد.

آیا نیاز باتصال چین در زمینه متصور می باشد؟

بسیاری ها بر این باورند که در انتخابات قبلی ریاست جمهوری در کشور، بدلائل عینی موجود، باید به موضوع منافع ملی کشور ارجحیت داده می شد. در وضعیت و شرایطی که نتایج مقدماتی مذاکرات مشخص نگردیده بود، اصل انتخابات در کشور در مرکز توجه قرار گرفت.

همچنان مبصران سیاسی انستیتوت هودسن اظهار داشتند که ایالات متحده به نتایج مذاکرات و گفتگوها با "طالب"ها چندان امیدوار نبوده و در وضع کنونی در صدد تحکیم و قوت مندی رژیم و حاکمیت مرکزی در سراسر کشور می باشد. در بسیاری از دول و کشورهای مطرح منطقه ما چنین می پندارند که در بسیاری از جهات، با تشریک مساعی قدرت های مطرح بین المللی و قوت های منطقی در پسا عرصه ها می توان به دستاوردهای قابل توجهی نایل گردید. در این مورد قابل تذکر پنداشته می شود که مناسبات عمیق چین و پاکستان و ایجاد مناسبات و روابط جدید با نخبگان جامعه افغانی از جمله مسایلی بشمار می آید که نباید بآنها کم بها داد.

ایالات متحده، محاربات آتی را چگونه مدیریت خواهد نمود؟

در این مورد قبل از همه تذکر این مطلب لازمی بنظر می رسد که بیشتر از این، عصر سلطه و یک تازی های ایالات متحده بویژه در حوزه نظامی پایان یافته است. اگر ایالات متحده در قبال قضایای موجود بین المللی به تغییر رویکردش مبادرت نورزیده و اگر در شرایط بحرانی بمنظور جلوگیری از شکست، عقب نشینی صورت گیرد، نتیجه آن بگمان اغلب، برای منافع ایالات متحده، از جمله پرهزینه ترین ها خواهد بود.

در گام نخست از ضرورت جدی تغییر رویکرد تعریف ستراتیژی دفاع ملی وزارت دفاع ایالات متحده که طی سال ۲۰۱۸ تدوین گردید، نباید چشم پوشی بعمل آید. چنانچه طی ماه جنوری سال یادشده، جیمز ماتیس وزیر دفاع قبلی آن کشور، چگونگی اولویت مبارزه با ابر قدرت های جهانی را در مقایسه مبارزه با تروریسم بیان داشت. در کنار آنکه ستراتیژی یادشده بخشی از مشکل را حل می نماید، اما در سایر حوزه های عرصه های مربوطه نیز تکوین بهبودی هایی مورد نیاز پنداشته می شود. آیا شاهد مبارزه و رویاروی های ابر قدرت های جهان با نیروهای مسلح ایالات متحده خواهیم بود؟

بمنظور ارائه پاسخ به پرسش مطرح شده، قبل از همه باصل ژئوپولیتیک باید وضاحت داده شود. در ایالات متحده بگونه همیشگی به حفظ سطح بالایی از قدرت و توانایی های نظامی ارجحیت داده می شود. در غیر این صورت، واشنگتن برای بدترین اشکال بدفاع اجباری مجبور گردیده و بمنظور مبارزه با مخالفان نمی تواند از اهرم های نفوذ استفاده لازم بعمل آورد. بهمین دلایل گفته آمده در فوق، ایالات متحده در صدد دسترسی همیشگی به مناطق کلیدی جهان بگونه عمده در آسیا و اروپا می باشد تا از عدم بکارگیری نیروهای پنهان، علیه منافع آن کشور مطمئن گردد. این هم پیوستگی مطلوب نیروها در مناطق مربوط به ایالات متحده از طریق شبکه ای از اتحادها پشتیبانی بعمل می آید.

در این اواخر، ملأهیبت الله رهبر "طالب"ها بگونه مکرر از ایالات متحده خواستار ختم جنگ و پایان دادن باشغال افغانستان گردیده و آن کشور را به عودت نظامیان از اراضی افغانستان و باصداقت به تداوم مذاکرات صلح فراخواند. نامبرده، افغان ها را به اتحاد و همبستگی دعوت نموده تا بگونه مشترک علیه خارجی ها به مبارزه شان ادامه داده و به پایه گذار سیستم اسلا می در کشور همت گمارند. رهبر "طالب"ها همچنان متذکر گردید که آنها بمنظور تداوم مذاکرات صلح آماده بوده و منتظر صداقت ایالات متحده در روند مذاکرات آغاز شده می باشند.

رهبر "طالب"ها مجدداً یادآور شده خاطر نشان نمود که آنها در صدد انحصار قدرت نبوده و خواهان شرکت و دسهمگیری کلیه افغان ها در امور حکومتداری و رهبری دولت در کشور می باشند.

باوجود مقاومت ایالات متحده، تنها کشورهایی که قادر به جلب و در عین زمان قادر به نگهداری قلمرو متحدان واشنگتن می باشند، روسیه و بویژه چین بشمار می آیند. آنها چنین اقداماتی را بمنظور آن انجام دادند تا حتا کشورهای همجوارشان را به توانایی های شان متقاعد نموده و با ایجاد ترس و هراس فزاینده، همکاری و مشارکت با ایالات متحده را تحت شعاع قرار داده و با استفاده و کاربرد روابط قدرت در اروپا و آسیا نیز نفع برند. این کار را چین در اقیانوس آرام بمنظور تسلط بر بزرگترین منطقه جهان انجام داد.

چنین تصویری گردد که همه صلح می خواهند، اما بمنظور تداوم جنگ نیز آمادگی هایی در شرف تکوین می باشد. منافع قدرت های بزرگ جهانی، نیروها و قوت های منطقوی و مراکز قدرت در داخل کشور، آنچنان درهم آمیخته شده که خود، سبب ساز پیدایش توهم ژئوپولیتیک در مورد گردیده است که بمشکل بتوان درباره چگونگی سیر حوادث دهه و یا دهه های بعدی پیشبینی و قضاوت نمود. بویژه زمانی که هر کدام از بازیگران در صدد آنند تا پتو را بر روی شان قرارداد و خود را از گزند چگونگی سیر حوادث پنهان نگهدارند. چنین وضعیت نهایت پیچیده ای بر فضای مسایل مربوط به کشور ما مستولی می باشد، اما راه حل هایی نیز منظور رفع مشکل وجود دارد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که پروسه صلح در نیمه دوم سال پار تحرک بیشتری کسب نمود، گرچه طی ماه ثور سال روان نیز با موفقیت آغاز گردید اما بدلیل عوامل بازدارنده، بامشکل مواجه گردید که در نتیجه دورنمای تداوم پروسه یادشده در هاله ای از ابهام قرار گرفت. در مذاکرات و گفتگوهای نماینده ایالات متحده با "طالب" ها، نه به ابتکارات اینجانب و نه به طرح های جانب دیگر، اصلن وقعی گذاشته نشده وحتا به تقاضاهای مکرر اشرف غنی در مورد قطع آتش، بویژه در ایام عید نیز اعتنایی بعمل نیامد.

واقعیت امر اینست که مذاکرات امریکایی ها در مورد برنامه های مقابله با آینده در افغانستان، بگونه مستقیم با "طالب" ها و دورزدن رسمی کابل، طبیعتن شکست های غیر قابل پیشبینی را بدنبال خواهد داشت. با بررسی و مطالعه دقیق رویدادهایی که طی ماه حوت سال پار انجام پذیرفت، موفق به ارائه وضاحت لازم در زمینه خواهیم شد. اما ما بخوبی شاهد آن بودیم که حتا در جریان مذاکرات و گفتگوهای یادشده در قطر، قوت های دولتی مجبور گردیدند تا به سازماندهی و انجام عملیات های نظامی نیز متوسل گردند.

دولت کنونی کشور بر رهبری اشرف غنی، بمفهوم وسیع کلمه، از موضع ضعیفی برخوردار بوده اما از لطف پشتیبانی و حمایت ایالات متحده، تاکنون سرپایش استواری می باشد. باختم چنین حمایت و پشتیبانی از دولت، پیشبینی وضعیت اندکی دشوار بنظر می رسد. چنانچه باقطع کمک ها و معاونت های اتحادشوروی به دولت تحت رهبری دکتور نجیب الله، سرنوشت کشور عزیز ما از بیخ و بن دگرگون گردید.

پس از شکست آخرین مذاکرات با "طالب" ها، امریکایی ها مجدداً پشتیبانی و حمایت شان را از حاکمیت مرکزی کشور اعلام نموده و از برنامه انتخابات ماه میزان سال روان ریاست جمهوری در کشور استقبال بعمل آوردند. اما جنرال های امریکایی از خرج نظامیان آن کشور و فراخواندن آنها از سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان، سخنی بمیان نمی آورند. ممکن از چنین وضعیتی تنها و صرف بمثابه آله فشار علیه "طالب" ها بمنظور تمديد مذاکرات، استفاده ابزاری بعمل آید. این امکان نیز عملن موجود می باشد که نحوه پشتیبانی و چگونگی عملکرد ایالات متحده در قبال دولت افغانستان، چه دولت کنونی بر رهبری اشرف غنی و چه دولت های بیرون آمده از متن انتخابات های آینده، مورد مطالعه و بررسی همه جانبه قرار داده شود.

نباید فراموش نمود که با مشخص نمودن اوضاع و شرایط داخل کشور، منافع بازیگران عمده خارجی را نیز نباید لحظه ای فراموش نمود. این واقعیت را باید بهمگان واضح و روشن نمود که عده ای از دول کشورهای مربوطه به چه نحوه ای در جهت توقف و ناکامی پروسه حل و فصل مسایل مربوط به کشور ما می باشند.

در کشور عزیز ما افغانستان، منافع بسیاری از کشورهای خارجی در تقابل و رویارویی هایی قرار گرفته و اصل تفاهم و سازش در زمینه دشوار و در برخی از حالات نا ممکن بنظر می رسد که می توان آنرا از جمله عوامل مهم بازدارنده در امر پروسه صلح در کشور پنداشت، چه، هر زمانی که به مرحله ای از موفقیت مذاکرات و گفتگوها نزدیک می شویم، اخذ تصمیم و فیصله نهایی را دفعتن یخ زده و جابجا متوقف می گردید. بنابراین بسیاری از آگاهان، عدم خوشبینی شان را در مورد نتایج مذاکرات و گفتگوهای یادشده بصراحت اظهار می نمایند.

در مورد بازیگران بین المللی، از فدراتیف روسیه آغاز می نمایم. کشور متذکره از منافع جدی و قابل توجهی در کشور ما برخوردار نمی باشد، صرف در برخی از محلات و مناطق متعلق به کشور عزیز ما، در بخش های جداگانه ای تأسیسات اقتصادی و فنی مربوط بان کشور موجود می باشد.

گرچه از سوی دیگر، مسکو عواقب منفی سیاست تبعیض آمیز برخی از بازیگران رقیب اقتصادی روسیه را بویژه در مدت زمان پنج سال پس از رویکار آمدن اشرف غنی بمثابه رئیس جمهوری کشور، درک می نمایند، باوجود آنهم از وضعیت کنونی چنین برمی آید که مناقصه ها (!) در مورد طرح های موجود در کشور ما حتا در بخش امور و مسایل روابط بین المللی اعلام می شود.

همه بازیگران داخلی، منطقوی و بین المللی در صدد آن می باشند تا سهم قابل توجهی در مجموعه طرح های یادشده را بخود اختصاص داده و منافع بیشتری را در زمینه نصیب گردند.

درباره کشورهای همجوار همینقدر باید یادآور شد که قبل از همه، فدراتیف روسیه بیشتر از موارد دیگر به مسایل و موضوعات امنیتی، توجه لازم معطوف می نماید. این کاملن مفهوم می باشد که روسیه در آسیای میانه، بویژه در عرصه همگرایی منطقوی از منافع منحصر بفردی برخوردار می باشد. در شرایط کنونی، کشور اخیر الذکر به توسعه مناسباتش باقرغزستان و قرغزستان مبادرت ورزیده و با ازبکستان هم در زمینه، ارتباطاتی را برقرار و تأمین نموده است. نشانه های واضحی از بهتر شدن مناسبات با ترکمنستان نیز موجود می باشد. طبعن پس از آن، کشور عزیز ما افغانستان برای روسیه از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار می باشد. قبل بر این، افغانستان بمثابه محل صدور تروریست ها به سایر نقاط جهان و محل کشت و زرع کوکنار و تهیه مواد مخدر پیدا شده می شد. اکنون مسأله تأمین امنیت در مرز های جنوبی آن کشور از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد. نبود امنیت سراسری و عدم اطمینان از آینده کشور، متأسفانه هم زمینه های تربیه و تسلیح مخالفان مسلح و هم زمینه ها و امکانات کشت و زرع کوکنار در کشور را مساعد و مهیا نموده است.

با روابط و مناسبات روبه رشد و توسعه ارتباطات میان روسیه و ایالات متحده، برای کشور نخست منافع بیشتری در افغانستان متصور می باشد. حتا می توان منافع متذکره را منافع حیاتی محسوب نموده و مطمئن در این مورد، سیاست بیشتر از اقتصاد مطرح بحث می باشد. مسکو بگونه جدی از طرح هایی پشتیبانی بعمل خواهد آورد که منجر به عودت قطعات نظامی و رزمی ایالات متحده از افغانستان شده و سرنوشت افغان ها بخود افغان ها سپرده شود. وضعیت کنونی کشور بگونه ایست که در فوق از آن تذکر بعمل آمد.

کشور چین نیز از منافع بزرگی در کشور ما برخوردار می باشد. کشور نامبرده از نخستین بازیگران خارجی در اوضاع و احوال کشور محسوب گردیده و تاکنون چندین مراتبه، مذاکرات مستقیم و رو در رو با "طالب" ها را سازماندهی و اجرأ نمود. با وجود فعال بودن آن کشور در عرصه مسایل سیاسی کشور ما، پکن در سهمگیری در امور و مسایل نظامی تمایل بیشتری نشان نداد. در عوض، در طرح های بزرگ اقتصادی آینده کشور ما نیز سهمگیری نموده و سرمایه های هنگفتی را در این عرصه هزینه نمود. کشور متذکره معتقد است که گشودن جبهه جدید تقابل و رویارویی با ایالات متحده برایش بصرفه نبوده و باوردارد که تشدید خصومت ها میان چین و ایالات متحده نتایج منفی بیار آورده و نهایت زیان بار خواهد بود.

مسأله ای که با ایالات متحده ارتباط می گیرد، از جمله یکی هم اینکه آن کشور بیشتر از این در صدد جاه طلبی های اقتصادی در افغانستان نمی باشد. کشور عزیز ما بمثابه یکی از مناطق مهم جهان پنداشته می شود که بیشترین ابر قدرت ها در پی تأمین و حفظ نفوذ همه جانبه شان می باشند. بهرحال، ایالات متحده طی ایام پسین در بسا عرصه ها به تغییرات تاکتیکی متوسل شده و با آرامی در صدد معامله و تعامل با کشورهای هند و ازبکستان گردید.

منافع تاشکند و دهلی در سیاست کنونی افغانی بمثابه بخش هایی از منافع عمومی ایالات متحده محسوب گردیده که در واقعیت امر، از آنها استفاده ابزاری بعمل آورده و همگام با آن بهر بهایی به موجودیت و حضور نظامی اش در افغانستان و در حفظ و بقای مناسبات و ارتباطاتش با "طالب" ها و غنی تداوم می بخشد. بخش هایی از برنامه متذکره ممکن همزمان اجرأ گردیده و بگونه نهایت ظریف در امر دفاع و پشتیبانی از گروه ها و بخش هایی که از مؤثریت اندکی برخوردار می باشند، معطوف گردد.

هند، بمثابه قدرت روبه رشد با جاه طلبی های بزرگی خودنمایی می نماید. در این بین پاکستان نیز موقعیت دارد، پاکستانی که همیشه به بسترنای آرامی ها و تشدید برخوردها برای افغانستان مبدل گردیده و نیرو های تشدد طلب و افراطی منطقه را تحت پوشش و حمایت قرار می دهد. در مجموعه تقابل و رویارویی های حاضر، موجودیت و تقویت نفوذ پاکستان در افغانستان، از بسیاری جهات بنفع آن کشور تمام می شود. علاوه بر آن، هند نیز در صدد وسعت و گسترش نفوذ و اثر گذاری اش بویژه در کشور ما میباشد. راه های نجات از بحران کنونی کشور را باید جستجو نمود. در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل و فصل کامل معضلات موجود نمی باشد کاین واقعیت شامل حال چین، ایالات متحده و روسیه نیز می گردد. پس از اینهمه، اصل جهانی شدن و یا جهانی سازی، کلمه و مفهوم میان تهی محسوب نگردیده، بلکه اثرات نفوذ متقابل را نیز در نظر می گیرد. موضوع فوق بیش از همه به کشور عزیز ما افغانستان ارتباط می گیرد که طی مدت زمان بیشتر از سه دهه، بازیگران مختلف و رنگارنگ خارجی بمنظور دستیابی به منافع منحصر بفرد شان، وارد کارزار کشور ما گردیدند. بمنظور حل و فصل معضله و مشکل موجود، در عرصه بین المللی باید کنار آمدهایی بعمل آمده و سازش هایی صورت گیرد. سپس با تأمین ارتباط با بازیکنان منطقوی و صرف پس از اینهمه، تدویر مذاکره و قرار گرفتن بدور میز گفتگو های بین الافغانی، می توان به حل و فصل قضایای موجود نایل گردید. نباید چنین مسیری را ساده و سهل تصور نمود.

چون دهه های متوالی است که با این مشکل مواجه می باشیم.

هشتم ماه جون سال ۲۰۱۹